

کانادا من حیث قائد جهانی  
کنفرانس هیأت رهبری گورنر جنرال کانادا  
کاتینو، کانادا، 19 می، 2004

مترجم : پیکار

امروز برایم جای مسرت و امتیاز بی نظیر است که رهبران جوان کشور کانادا، رهبرانی را که نمایندگی از قدمه های نا همگون زندگی محیطی و منطقی می کنند و تبارز دهنده بینش تعدد گرایی منطقی و اجتماعی در این کشورند، مورد خطاب قرار میدهم. امروز مسرت ویژه ای برایم دست داد، مادامی که مشاهده نمودم که چسان شما تصور حیاتی نقش قیادت را با مساعی مشترک به کاوش گرفته بودید: و واضح ساختید که چگونه رهبری سیاسی و مدنی میتواند در راه استحکام وابستگی اخلاقی نیرومند، در زندگی عمومی ای که کشور کانادا آنرا بر بنیاد احترام اخلاقی در برابر کرامت انسانی استناد بخشیده است، نقش مؤثر داشته باشد. اینگونه روابط و وابستگی بر بنیاد تفاوت های موجود به ساختار گرفته شده و به رسمیت شناخته شده است و روحیه شامخ و وفاق اجتماعی را در فرآیند آفرینش پالیسی های عمومی و مشروع را توان مند ساخته و فضای سالم را برای نقش آفرینی جامعه مدنی سالم- و در حقیقت اساسی- که سنگریست برای ایجاد فرآیند دموکراتیک، به وجود می آورد.

کانادا شیوه حکومت داری ای را به آزمودگی گرفته است که دنیای امروز به آن نیاز مبرم دارد. جهان امروز مکانی است مملو از درگیری های روز افزون ای که در آن اکثر دسته های نا همگون نژادی، قومی، قبیله ای، مذهبی و هم اجتماعی در راه پیدایش فضای عمومی همزیستی مسالمت آمیز و هم آهنگ، ناکام مانده اند. این چنین شرایط مشحون از مناقشه، درگیری، و نبود استقرار، در آینده باعث آفرینش خطر بزرگیست در میان کشورهای انکشاف یافته و رو به توسعه در امر ایجاد روابط حسن نیت و همکاری مشترک میان همه انسانهای این کشور ها. دیگر جنگ سرد انقطاب آفرین و مفلوج کننده، برای ابد رخت بر بسته است.

مسایل جدید که خواهان بذل توجه جمعیت بین المللی اند، نیازی است حیاتی در راه آفرینش و بنیانگذاری حکومت های پایدار با اقتصاد خود گردان، مستحکم، با گونه های حاکمیت های همگانی و مشمول گرا، در شرایط کنونی برای زیست همگانی. توجه بیشتر جهانی به صورت مرحله ای روی پدیده ای به اصطلاح حکومت های ناکام متمرکز است، اما تهدید جهانی ای که امروز ما به آن روبرو هستیم، علاوه بر جنگ هستوی، اچ-آی-وی و ایدز، موجودیت حکومت های ناکام عمده ترین آن نیست، بلکه در حقیقت ناکام گاری دموکراسی است، که باید مورد تعمق و تدبیر

قرار گیرد. تقدیر جهانی در مراحل آغازین سده ای بیست و یک، در واقعیت امر داستان ناکامی و شکست دموکراسی ها در جهان اسلام، امریکای لاتین، اروپای شرقی و نیم قاره ای افریقا، میباشد.

حقیقت انکار ناپذیر این است که چهل در صد کشور های عضو سازمان ملل متحد دچار ناکامی معین در امر پیاده سازی دموکراسی اند. بزرگترین خطر به دنیای غرب و ارزشهای آن، انباشت دموکراسی های ناکام ای است که پا به عرصه ای وجود گذاشته اند، و اگر باعث آفرینش مناقشات و درگیری ها نباشند، بدون تردید من حیث وسیله ای پدید آوردن امواج فشار های مکتوم در میان جوامع شناخته شده اند. مسئله ای اساسی این است که کشورهای غربی انتخاب چنین دموکراسی را که مانند سایر شیوه های حکومت داری در میان انسانها بسی شکننده اند، به خاطر حفظ منافع زودگذر شان، پذیرا شده اند. مسئله ای در خور توجه این است که هر ملت و هر یک از جوامع نا همگون، پرسش های آتی را به میان می آورند: چرا دموکراسی ها به شکست مواجه می شوند؟ آنها باید از هرگونه شرایط ممکنه به منظور تصحیح اوضاع و احوال موجود، استفاده معقول نمایند، بجای آنکه بدون استدلال و به نحو نهایت آشکار به "نظام های شکست خورده و ناکام" رجوع کنند. به نظر من دموکراسی میتواند در هر جا شکننده باشد، و در هر زمانی و در هر اجتماعی- آنگونه که در بهترین، معروفترین و شناخته ترین اوضاع و احوال مستند، در اروپا به میان آمد، به ویژه در پنجاه سال گذشته که بر همگان مبرهن است. این مسئله در اروپا و در سراسر جهان که موجودیت احزاب سیاسی و جریان انتخابات به اصطلاح آزاد، که به تنهایی خود نمیتواند به وجود آورنده ای حکومت ها و نظام های خود گردان و قیادت با صلاحیت و با اختیار باشد، به نحو واضح و بدون تردید، مشهود است.

از نقطه ای نظر من سه اصل می توانند در امر به میان آوردن نظام های پایدار و دموکراتیک در سراسر جهان، به شمول افریقا و آسیا که با آنها در گذشته کار مشترک نموده ام، بنیادی باشند. متکی بر نبوغ و غنای ملی خویش چه نقشی را کانادا میتواند در راه آفرینش و استحکام این شالوده های سترگ دموکراسی در کشور های جهان سوم، بازی کند؟

بازنگری جدید ملل متحد از شیوه های دموکراسی موجود در هجده کشور امریکای مرکزی، روی آن شیوه هایی از دموکراسی سخن میراند که مبنی بر اصول بنیادی و واقعی ای که زمینه ای پیشرفت و انکشاف جامعه ای بشری را در این کشورها، مساعد کرده بتواند، اصرار مجدد می ورزد. همچنان روی فرآیند کاهش ها، رکود اقتصادی و رشد نابرابر و ناموزون، عدم دسترسی به حقوق مدنی، و درآمد داخلی که آفریننده ای مشکوکیت، عدم تساهل، شکیبایی، نا آرامی ها و بیقراری های اجتماعی، هشدار میدهد. گزارش سالانه ای ملل متحد روی تصور بنیادی ای که همه ای شما به طور غریزی خواهید دانست، و تجربه ای کاری ام در جهان سوم

دهه در دهه به مظاهره گذاشته شده است، تاکید می‌ورزد. نگرانی های روزمره ای مردمان همه ای مناطق ، کیفیت زندگی شان که بدون تردید با سیستم های ارزشی آنها در ارتباط است، تشکیل دهنده است. در محتوای گزارش انعکاس داده شده به یک حقیقت حیاتی، اعتراف صورت می‌گیرد: "یک ارتباط نهایت با اهمیت در میان شهروندان و نهاد های جامعه مدنی ای که من حیث عامل بزرگ، در امر استحکام دموکراسی از دیدگاه نظارت بر نظام کشور داری و انکشاف پلورالیسم، کار کرد دارد، موجود است."

دلچسپی من روی مسایل انکشاف و مدیریت، اس مسئولیت من حیث قاید روحانی- امام جمعیت شیعه امامی اسماعیلی مسلمان ، ناشی می شود. جمعیتی که از دیدگاه فرهنگی نا همگون، متعدد و در اطراف و اکناف جهان، گسترش یافته است. اکثر این جمعیت به حیث یک اقلیت خورد در بیشتر از 25 کشور جهان ، اعم از آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، شرق میانه و شبه قاره ای افریقا، زندگی به سر می برد. در این اواخر جمعیت اسماعیلی از حضور قابل ملاحظه ای در کانادا، ایالات متحده ای امریکا و اروپای باختری، برخوردار اند. از آوان جلو سم بر سریر امامت در سال 1957 ، امور انکشاف ، پیشرفت، ترقی و تعالی جمعیت اسماعیلی و جوامع گسترده تری که اسماعیلیان در میان آنها زندگی به سر می برند، موضوع اصلی و بنیادی ملاحظات کاری ام را تشکیل دهنده است.

گرفتاری اداره ای امامت در راه انکشاف، هدایت رهنمودی خویش را از شیرازه ای محتوای اخلاقیات اسلامی، که اتصال دهنده پل روابط میان باور و جامعه است، اقتباس می نماید، و بر شالوده ای همین طرز فکر و بینش بود که من نیت بنیان گذاری شبکه ای توسعه ای آقا خان را به سر پرو راندم. شبکه ای مذکور سالیان دراز است که در بسا ساحات و مناطق آسیا و افریقا، به منظور انکشاف همه ای آن مردمانی که در آنجا زیست دارند، فعالیت عملی و مؤثر دارد. مناطق یاد شده فقیر ترین و نا همگون ترین ساکنان روی زمین را در بستر خود دارند. حضور دوامدار و دراز مدت ما در این سرزمین ها، بینشی را در ذهن ما تداعی می کند، که تصدیق کننده ای بازرسی مفصل اداره ای ملل متحد را در امریکای لاتین مبنی بر اینکه دموکراسی نمیتواند بدون پیش شرط دوگانه به طور معقول جامه عمل به تن کند، انعکاس میدهد.

پیش شرط اول، عبارت از یک جامعه ای سالم و مدنی است. این خود یک سنگ بنای اساسی در امر مساعد سازی زمینه برای همه ای شهروندان، و دسترسی آنها به مجاری و کانال های متعدد، به منظور بازتاب و به آزمون گرفتن مؤثر هر دو بخش ، اعم از حقوق و وجایب آنها ، به مثابه ای شهروندان یک کشور و جامعه ای مدنی و پیشرفته است . حتی در یک سطح نهایت ابتدایی ، تنها یک جامعه ای مدنی نیرومند میتواند اطمینان بخش یک پس منظر معقول در راه معامله ای انسانی، مصونیت شخصی ، تساوی حقوق، زدودن تبعیض ، تمایز، و آفرینش

زمینه های مساعد و حیاتی برای ساکنان مجزا نگاهداشته شده ای دهات و فقرا منزوی شهری، باشد.

پیشراط دوم، پلورالیسم (کثرت گرایی)، است. معنی پلورالیسم تجمع مردمان دارای سوابق نا همگون و علایق مشترک آنها است در راستای پیشبرد اهداف مورد علایق همگان، در شیرازه ای نهاد ها و مؤسسات، جهت بازتاب گونه های نا همگون آفرینندگی که در کلیت خود، نیازمند حمایه ای همه جانبه ای دولت و جوامع مربوطه اند.

عدم پذیرش پلورالیسم در سراسر جهان، نهایت فرا گیر است، که اینگونه مردود سازی نقش براننده را در راه تغذیه ای مناقشات و درگیری های ویرانگر و مخرّب، بازی میکند. چنین نمونه ها را بر روی نقشه ای جهان، در سراسر کشور های جهان به مشاهده نشسته ایم: به ویژه در آسیا، خاور میانه، افریقا، اروپا و بیش تر از همه، در امریکا محسوس و ملموس است.

هیچ قاره ای از فرآیند تراژدی های مرگ و میر، بدبختی و نکبت و پیگرد های بیرون از تصور انسانی در برابر اقلیت های موجود، در مصوّنیت قرار نداشته است. آیا سطح بلند این چنین خطر ها، قابل پیشبینی است؟ اگر پاسخ بلی است، در آن صورت چه کاری را در زمینه انجام داده میتوانیم تا از سطح مشتعل سازی جرقه ای فرآیند مردود نمودن و عدم پذیرش پلورالیسم، کاسته باشیم؟ اول تر از همه آیا این مسوّلیت و تعهد رهبران سراسر دنیا نیست تا یک بنیاد علمی را برای حل چنین مسایل به آفرینش گیرند و استراتژی های دراز مدت و معقولی را برای جلوگیری از به میان آمدن چنین حوادث، طرح ریزی نمایند؟ من ژرفاً باور دارم که خرد جمعی ما باید به پذیرد که اهمیت تصور و بینش پلورالیسم، کم بها تر از حقوق بشر برای اطمینان آرامش جمعی، دموکراسی کامگار و کیفیت بهتر زندگی انسان ها، نمی باشد.

من نهایت خوشبین هستم، که دور از امکان نیست تا کار های زیاد سازنده باید انجام یابند و من میخوام مثالی را ارایه کنم که ناشی از تجربه ای کاری چهل ساله ام در شیرازه ای فعالیت ها و کارکرد های اداره ای توسعه ای آقا خان، نهاد ها و مؤسسات وابسته به آن میشود که در آن ساختار دقیق و مصبورانه ای انکشاف مؤسسات و نهاد های جامعه ای مدنی، نقش اساسی را در راستای آفرینش ظرفیت های نا همگون در امر مدیریت و مشروعیت بخشی بینش پلورالیسم، بازی نموده است.

منطقه ای شمال پاکستان که زمانی یکی از فقیر ترین نواحی روی کره ای زمین بود، اداره ای توسعه ای آقا خان، بیشتر از بیست سال است که در آنجا یک جا با مؤسسه ای "انکشاف بین المللی کانادا" که یکی از پیشقدم ترین شرکای کاری ما می باشد، فعالیت همه جانبه دارد.

جمعیت های مختلف نژادی و سوابق نا همگون باور های دینی- شیعه، سنی و غیر

مسلمانان این گوشه ای دور افتاده و منزوی، جهت جمع آوری متصرفات و ما یملک ناچیز شان برای ادامه ای حیات مشقت بارشان، در یک محیط دشوار آفرین و سیستم اقتصادی بیابانی و کوهستانی و دشوار گذر، همواره دست و پنجه نرم میکنند. روابط میان جمعیت های یاد شده، اکثراً خصومت آمیز بوده است. آفرینش پروسه ای انکشاف مستحکم، پایدار و مشمول گرایی که در آن جمعیت های نا همگون و متعدد موفق به اشتراک و جستجوی جمعی در امر حل دشواری های مشترک شان شوند، یکی از دشواری های فرآیند کاری اداره ای انکشاف و توسعه ای آقا خان را تشکیل میداد.

اگر کارکرد های دو دهه ای خود را در آن جا خلاصه کنیم: بیش تر از سه هزار و نو صد (3900)، موسسه و نهاد دهاتی ای متشکل از نماینده های مختلف با قاعده ای وسیع و دسته های نا همگون افراد با علایق و منافع مشترک عرصه های نو آوری امور زنان، بکار برد منابع آب و نحوه ای استفاده از آن، حساب پس انداز و اعتبار بانکی، بنیان گذاری شده و مورد بهره برداری همگان قرار گرفته است. کیفیت زندگی یک ملیون و سه صد هزار انسان های مناطق دهات و نمایندگان اکثریت ساکنان آسیا و افریقا، به طور بنیادی و عملی تحول یافته است. سرمایه ای عمومی الی سه صد در صد، تغییر یافته، حساب پس انداز تقویه گردیده و فرآیند تعلیم و آموزش افشار نسوان و ذکور، مواظبت تندرستی، امور مسکن، مراقبت بهداشتی و خود آگاهی فرهنگی، به شمول عرصه های بزرگ انکشاف، بهبود قابل ملاحظه یافته اند. رقبا و مخالفین قبلی موجود در محیط، روی اصول مذاکره اتکا پیدا کرده و با هم به گونه ای مشترک کار می نمایند تا بر نامه ها و ساختار های جدید اجتماعی را در ناحیه ای شمال پاکستان و به بسیار زودی در تاجیکستان، عملاً به آفرینش نشینند. تفاهم و توافق همگانی در ارتباط پیدا کردن امید به آینده، جای مناقشات و درگیری ها را که زاده ای نا امیدی و خاطرات نا میمون گذشته بودند، گرفته است.

تجارب خورد و کوچک توام با دموکراسی نهادینه، جامعه ای مدنی و پلورالیسم برای هر یک از افراد و دسته های گرفتار در امور، روی اهمیت بی حد و حصر صلاحیت، شایستگی و پیشروی مبنی بر شایسته سالاری، مصرانه تأکید ورزید. دسترسی مساوی به فرصت های مساعد، بنیاد اصلی بینش شایسته سالاری را تشکیل میدهد.

اگر فعالیت های دو دهه ای اخیر خود را در آنجا خلاصه کنیم، بیشتر از سه هزار و نه صد (3900)، موسسه و نهاد دهاتی که متشکل از نماینده های مختلف با قاعده ای وسیع و دسته های نا همگون افراد با علایق و منافع مشترک عرصه های نو آوری امور زنان، بکار برد منابع آب و استفاده از آن، حساب پس انداز و اعتبار بانکی، بنیان گذاری شده و مورد بهره برداری همگان قرار دارد.

کیفیت زندگی بیشتر از یک میلیون و سه صد هزار انسان های مناطق دهات و نماینده های اکثریت ساکنان آسیا و افریقا، به گونه ای بنیادی و عملی تحول یافته است. سرمایه ای عمومی الی سه صد فایز تغییر یافته، حساب پس انداز تقویه گردیده و فرآیند تعلیم و آموزش، اعم از ذکور و نسوان، مواظبت درمان صحی، امور مسکن، حفظ الصحه و خود آگاهی فرهنگی به شمول عرصه های بزرگ انکشاف بهبود قابل ملاحظه یافته است. اکنون رقبا و مخالفین قبلی روی مذاکره و مفاهمه اتکا پیدا کرده اند و با هم به گونه ای مشترک کار می کنند تا برنامه ها و ساختار های جدید اجتماعی را در ناحیه ای شمال پاکستان و به این نزدیکی ها در کشور تاجیکستان، به آفرینش عملی نشینند. تفاهم و توافق همگانی در امر امید به آینده، جای مناقشات و درگیری ها را که زاده ای یأس و خاطرات نامیمون گذشته بودند، گرفته است. تجارب خورد و ریزه توام با دموکراسی نهادینه، جامعه ای مدنی و پلورالیسم برای هر یک از افراد و دسته های گرفتار، روی اهمیت بی حد و حصر صلاحیت، شایستگی و پیشرفت مبنی بر شایسته سالاری، مُصرّانه تا کید ورزید. دسترسی مساوی به فرصت های مساعد، بنیاد اصلی تصور شایسته سالاری را تشکیل میدهد. شهروندانی که دارای نیروی قابل ملاحظه ای اند، بدون در نظر داشت اینکه به کدام جمعیت وابستگی دارند، نیروی خویش را تنها در صورتی میتوانند جهت عمل دهند که دسترسی به تعلیم و آموزش، تندرستی خوب و پیشبینی پیشروی از طریق نهاد های بازرگانی و سرمایه گذاری را داشته باشند. هر نهادی نمیتواند بدون در نظر داشت این قاعده ای شایسته سالاری، فرآیند رشد خود را ببیماید.

یک جامعه ای کثرت گرای مصوّن نیاز مبرم به جمعیت های تعلیم یافته و آموزش دیده دارد که مطمئن در هویت و ژرفای سنت های خودی و مسایل دیگرانی که با آنها در یک محیط مشترک همسایگی حیات به سر می برند، دارد. دموکراسی ها باید آموزش دیده باشند، اگر میل دارند خود را به گونه ای مطمئن و با صلاحیت معرفی نمایند و گزینندگان شان بتوانند به نظریات آگاهانه در مورد مسایل بزرگ مطمح نظر، دسترسی پیدا کنند. شاید هم بزرگترین مانع در راه گسترش پلورالیسم و دموکراسی موجودیت خلا و نقطه ای ابهام در تعلیم و آموزش عمومی شهروندان دخیل در مسئله ای یاد شده باشد. ترسیم تصویر مهیج و نمایشی در مورد مناقشات میان دنیای اسلام و دیگران در حقیقت یک احتکار غیر آگاهانه و خلاف شعور انسانی است که بعضاً صورت میگیرد. و اگر تصادم بزرگ تهذیبی وجود داشته باشد، آن تصادم فرهنگ ها نبوده بلکه تصادم نادانی و انکار از حقایق موجود است. چه تعدادی از رهبران جهان، حتی در دنیای باختر در عرصه ای سیاست، در وسایل اطلاعات جمعی و یا سایر پیشه ها که تشکیل دهنده ای افکار عامه اند، در فرآیند چنین آگاهی از زندگی بزرگ شده باشند که اسباب اندیشه های تاریخی مناقشات و درگیری های خاور میانه محصول و دست آورد جنگ اول جهانی

است؟ و یا اینکه تراژدی منطقه ای کشمیر، میراث شوم و حل ناشدنی دوران استعمار است؟ و یا دیگر اینکه هر دو مسئله که هیچگونه ارتباطی با باور های دینی و عقیدتی مسلمانان ندارند؟ تا حدی که به آگاهی و ذهنیت عامه ارتباط می گیرد، در گیری ها و آرایش قشون در افغانستان در آوان جنگ سرد از هر دو طرف، در تاریخ معاصر این کشور نمونه ای است تراژیک و اندوهناک. این مسایل یاد شده که اکنون زندگی همه ای شهروندان را متأثر ساخته است، تا هنوز در هیچ یک از سطوح آموزش عمومی کشور های غربی، مورد خطاب قرار داده نه شده است.

نصاب آموزشی میدان پژوهش های بشری در موسسات تعلیمی غربی به گونه ای نادر بزرگترین فیلسوفان، دانشمندان، نجوم شناسان و نویسندگان های دنیای اسلامی وابسته به ادبیات سده های باستانی اسلام، مانند : ابوعلی سینا، الفارابی، الکندی، ناصر خسرو و نصیر الدین طوسی را بر جسته می سازند. این کمبود دانش و عدم تقدیر غرب از تهذیب دنیای اسلام، کلیشه ای بودن وسایل اطلاعات جمعی را ملون ساخته و باعث میگردد تا روی نقاط داغ سیاسی در دنیای اسلام تمرکز نموده، تنها متوجه سازمانهای تروریستی و آنها در قدم نخست اسلامی، به گونه ای انحرافی آن میگردد، بجای آنکه بصورت مجموعی به منابع ملی و اهداف سیاسی آنها مراجعه نماید.

جای تعجب نیست که تصور غیر واقعی و مجاز در مورد اسلام به مثابه ای گویا مرکز یکپارچه ای منبع ترس و وحشت، دهشت افکنی و آشتی ناپذیری اش در برابر روش های غرب و بدتر از آن من حیث کشتزار و ترویج تخم دهشت و وحشت در کمین نشسته است تا اسلام را به حیث یک نیروی نا موافق با مسایل مثبت و هم یک پدیده ای نا کارآمد در برابر بینش گرایش جمعی، مورد تشریح و تفسیر قرار دهد. این تصور به گونه ای مستقیم در برابر باورمندان کتاب آسمانی که از طریق سنت توحید پرستی همواره هر یک از انسانها و به ویژه مسلمانان را به بهترین شیوه ها و مناسبات در میان همدیگر توأم با عالمی از تفکر، تعقل و بینش فرا می خواند، در انظار قرار داده می شود. تاریخ انباشته از مثالهای نهایت نا همگون است که مسلمانان آماده بوده و آماده هستند تا که بهترین و گران بها ترین دفینه ها و ثروت خود را حتی به شمول اعضای خانواده های شان در مواظبت عیسویان، قرار دهند. اراده ای مسلمانان در امر آموزش از دانش طبابت یهودیان، نظام کشور داری و سایر عرصه های علمی، نمونه های روشنی از نیت مسلمانان در برابر مقام و منزلتی که به دانشمندان و پژوهشگران یهود در دربار امام و خلفای دوره ای فاطمیان مصر تفویض گردیده است. ابتکار عقلانی و داشتن دانش گسترده تر به منظور فهمش ژرفتر شرایط جاری نهایت منفجر شونده که حیثیت مناقشات و درگیری های به ارث مانده را به خود گرفته است، که تنها پدیده های ویژه اسلام نیستند، بلکه ناشی از به آغوش گرفتن تصورات و بینش تفاوت

های نژادی، بشری، نابرابری های اقتصادی، و اوضاع و احوال حل نا شده ای سیاسی اند، نهایت بنیادی است.

یکی از نمونه های عالی ای که جهت گونه پذیری احساس ملی، ضروری پنداشته می شود و همچنان باعث گردانندگی پالیسی و سیاست خارجی در این شرایط پر مخاطره می گردد، گزارش جدیدی است که از طرف کمیته ای پارلمانی زیر عنوان "بازیابی مناسبات کانادا با کشور های جهان اسلام"، به دست نشر سپرده است. آرزو داشتم که اگر فرصت زمانی یاری برساند، میخواستم روی برخی مشاهدات سیاق و محتوای گزارش یاد شده مکث نمایم، مگر خوب است که در عباره ای نخستین آن که با بازتاب "پیچیدگی های پویا، متحرک و نا همگون دنیای اسلام"، آغاز می شود، گزارش یاد شده آهنگ توازن و دانش را مطرح می نماید که خود توصیه و پیشنهاد بعدی را نیز زیر پوشش خویش قرار میدهد و هم آنرا به گونه ای درست و سالم احتوا میکند. گزارش یاد شده روی اهمیت تعلیم و آموزش و نیازمندی های فوری در امر ایجاد فرآیند مفاهمه و آفرینش فهمش عمومی در راه مشاهدات "فهمیدن تأثیرات اسلامی بالای دولت ها و سیاست حکومت ها، روابط اجتماعی و اقتصادی، معیار های فرهنگی، حقوق و امتیازات فردی و گروهی و سایر مسایل مشابه که به گونه ای حتمی پریش های نهایت زیاد دیگری را در قبال دارد که باعث تحریک فعالیت های دهشت افگانه ای اقلیت های اسلامی میگردد، تأکید می ورزد." من صمیمانه امید وارم که منابعی در اختیار قرار گیرند تا باعث هستی آفرینی مجدد مشوره ای سازنده ای این گزارش نفیس شوند، زیرا ضرورت داشتن چنین آهنگ خردورزانه، نهایت سترگ و قابل درک است. این مهم است که دنیای غرب باید دارای برداشت بهتر از جهان اسلام باشد، آنگونه که در گزارش هم آمده است، زیرا این خود مجموعه ای نا همگون و سترگ، تهذیب های جمعی است که فرآیند انکشاف را پیموده و به رشد و نموی خویش در امر ارایه ای پاسخ به اثرات متعدد اجتماعی و کشاورزی، کار های دهات، بازرگانی، زندگی شهری، علمی و فلسفی، ادبی و سیاسی، ادامه میدهد.

مانند سایر سنت های بزرگ جهانی، دنیای اسلام را نمیتوان تنها از طریق باور ها و عقیده ای آن شناخت، بلکه باید من حیث یک تصور کلی که تاریخ آن با دنیای یهودیت و عیسویت نهایت قرین بوده و باهم پره خورده اند، مورد پژوهش و باز شناسی قرار گیرد.

در این احوال و اوضاع ناشی از ناشناسی و جهالت در میان دنیای اسلام و جهان غرب، نمونه های کاری کانادا مبنی بر ساختار پل های ارتباط در امر ارایه ای حمایه از مدرسه ای پرستاری وابسته به دانشگاه آقا خان، از طریق مؤسسه ای انکشاف بین المللی کانادا و دانشگاه مک ماستر، در خور ستایش است. این چنین مشارکت های کاری نه تنها انتقال دهنده ای آموزش پرستاری و باز آموزی حرفه پرستاری به پرستاران جوان در پاکستان است، بلکه با عرضه ای حرفه ای جدید



و قابل احترام و ایجاد زمینه های جدید آموزشی برای زنان کشور های کنیا، تانزانیا، اوگاندا، افغانستان و سوریه، دارای اثرات خارق العاده و نهایت بارز است.

کانادا تقریباً در یک موقعیت بی نظیر در امر گسترش ساحه ای گرفتاری اش با دنیای سوم، بخاطر سهیم سازی هرچه گسترده تر بازرگانی، انکشاف مدیریت بشری به منظور حمایه از گرایش جمعی و پلورالیسم، انکشاف جامعه ای مدنی، و محیط شایسته سالاری عملی، قرار دارد. به طور مثال مراحل ابتدایی رشد داخلی مؤسسات جامعه ای مدنی کشور های در حال رشد جهان سوم، نیاز به افراد ماهر و متخصص در امر تقویت و استحکام ظرفیت های دهات کشوری در عرصه های مدیریت، طرح و تطبیق برنامه ها، جمع آوری وجوه پولی، مطالعه و بررسی خودی، دارد. این چنین نهاد ها در سایر عرصه هایی که من حیث عناصر دارای مسؤلیت جوابگویی، ویژگی ها و قابلیت های پیمایش کام گاری ها و اینکه یک مؤسسه چگونه باید از نقطه ای نظر مالی استحکام یابد و شناسایی شود، نیاز مبرم به یاری رسانی و حمایه ای همه جانبه دارند. من با مسرت فراوان میخواهم یاد آور شوم که اظهارات شما تبارز دهنده ای نیات نیک و واضح دولت شما اند. موضوع ذیل هنگام سخن رانی پال مارتین در مجلس عوام انعکاس یافته بود که چنین بازتاب یافته بود: " یکی از شیوه های متمایزی که کانادا از طریق آن میتواند ملت های در حال توسعه را یاری رساند، تهیه و تدارک مهارت ها، کارآموزی کانادا در عرصه ای عدالت اجتماعی، برابری، سیستم فدرالیسم (نظام ائتلافی)، و دموکراسی جمع گرایانه، خواهد بود."

کانادا در فرآیند زندگی تاریخی خویش در روبرو شدن با چالش های نا همگون، موفق به ساختار مؤسسات نیرو مند، به منظور استحکام دموکراسی شده است که سنگ بنای آنرا یک جامعه ای چند بعدی، و نیرومند، تشکیل میدهد. کشور کانادا نمونه ای از بافت اجتماعی را پیشکش جهان می کند و از همین سبب است که همواره در تلاش نیرومند سازی جامعه ای مدنی توأم با شایسته سالاری را در میان همه ای اقشار ساکنین خود، می باشد. از این رو شما قادر به زیر کنترل در آوردن بهترین ها از میان همه ای دسته ها هستید، زیرا که جامعه ای مدنی در قید هیچ زبان، مذهب، تبار و یا نژاد ویژه قرار ندارد.

من قصد ندارم، با نشان دادن تصویر گلگون و یکپارچه ای کانادا، کسی را شرمسار کنم، و امید دارم که این اظهار فارغ از احساس هرگونه فشار باشید. مگر شما تجربه ای ساختار مبنی بر دانش و اخلاق عملی را دارید که شما را قادر ساخته است، با چالش هایی در امر آفرینش بافت اجتماعی- سیاسی تان روبرو شوید.

امامت اسماعیلی در تلاش آنست تا مطمئن سازد، مردمانی که در کشور هایی

زندگی میکنند، در آنجا تهدید دموکراسی در حد اصغر خود باشد و در جستجوی طراحی روی بنیاد های دموکراسی در امر انکشاف کیفیت زندگی شهروندان شان باشند. کانادا اولین کشوری است که دارای این چنین نمونه های موزون است، و از همین سبب است که شبکه ای توسعه ای آقا خان در حال تأسیس نهادی به نام مرکز جهانی برای پلورالیسم در اتاوا است، که به سطح جهانی شناخته خواهد شد. این مرکز سکولار، فرا فرقه ای و غیر وابسته گرفتار عرصه های پژوهش و آموزش بوده و تصور گرایش جمعی عملی- پلورالیسم را به آزمایش خواهد گرفت. این مرکز مبنی بر مهارت های کشور کانادا و مشارکت کاری نزدیک با دولت ها، اکادمی ها و جوامع مدنی، در جستجوی استحکام و نیرومند سازی محیط و پالیسی های مشروع خواهد بود. اصرار این مرکز بیشتر روی استحکام ظرفیت های ذاتی در راه پژوهش و تحلیل پالیسی ها در ارتباط به تصور بینش پلورالیسم، پیشکش انکشاف آموزشی و مسلکی و برنامه های مبنی بر خود آگاهی اجتماعی، خواهد بود.

خانم ها و آقایان! دلایل اقناع آفرینی وجود دارند، آنگونه که سعی ورزیدم، هریکی را بر شمارم، پیرامون اینکه با کدام دلیل باید کانادا مقام رهبری سرمایه گذاری در راه مصونیت و استحکام گرایش جمعی را بدوش داشته باشد. ما در یک سیاره ای مزدحم با منابع و داشته های محدود، زندگی به سر می بریم، و لی بدون آنهم هنوز دارای سرنوشت مشترک هستیم. دشواری و یا دردی که در یک گوشه ای از جهان پا به عرصه ای هستی میگذارد متمایل است و حتی به شدت هرچه بیشتر از هر وقت دیگر، میخواید به سراسر گیتی گسترش یابد. نبود استقرار نهایت فراگیر و سرایت کننده است. اما امید من این است که این شما رهبران امروز و فردا هستید که بر افراشت گان و مشعل داران این امیدواری و یاری رسان در امر سهیم سازی این تحفه ای بزرگ پلورالیسم، خواهید بود.

**از توجه تان تشکر**